

شاخصه‌های تربیتی دولتمردان در نظام حقوقی شیعی با رویکردی بر دیدگاه‌های سیاسی

حضرت علی^(ع)

امیررضا محمودی^{*۱} - سیده مهشید میری بالاجورشری^۲ - فرزین افروز^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

چکیده:

در نظام سیاسی اسلام شخصیت و عملکرد دولتمردان یکی از مسایل مهم و حیاتی تلقی می‌گردد. به طوری که این مهم در تربیت سیاسی دولتمردان در سیره حضرت علی، به خصوص در نهج البلاغه به صورت شیوا و متفاوت بیان شده است. اهمیت بحث زمانی نمود پیدا می‌کند که عدم توجه به این امر باعث ناکارآمدی نظام سیاسی اسلام می‌گردد، بنابراین شناخت و تحلیل مسایل مربوط به شناسایی، تربیت و انتخاب کارگزاران حکومت با رویکردی جامع به اوامر و نواهی حضرت علی^(ع) می‌تواند در جاری شدن احکام اسلام در قالب سیستم‌های سیاسی شود و کارآمدی و موفقیت این نظام سیاسی - الهی را به جهانیان نشان دهد. در این مقاله روش‌های تربیتی و اصلاحی حضرت علی، ملاک‌های انتخاب دولتمردان و روش‌های نظارتی بر کارگزاران حکومتی به صورت نظری و کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: حضرت علی، اسلام، شیعه، حکومت، دولتمردان، نظام سیاسی شیعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2105-1888

^۱ - استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران: نویسنده مسئول

Amirreza.mahmodi@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران

^۳ - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران

دوران خلافت حضرت علی^(ع) با آنکه کوتاه بود و با چندین جنگ مهم سپری شد و ولی از نظر مدیریت دولتی دارای شرایطی پربار می‌باشد. مدیریت دولتی که مرزهای آن در غرب از مصر شروع شده و در شرق تا ارتفاعات شرقی ایران را در بر می‌گرفت، آن هم در زمان جنگ، هم از منظر اقتصادی و هم سیاسی کاری بس دشوار و پیچیده است. به طوری که انجام اقدامات متفاوت در عرصه‌های مختلف آن هم در شرایط جنگی، وضعیت تحریمی و مدت زمان کوتاه بسیار دشوار می‌باشد. انجام این اقدامات در کنار الزامات سخت افزاری نیازمند بسترسازی عمیق نرم افزاری می‌باشد که در این دوران به واسطه وجود حضرت علی^(ع) به روشنی صورت گرفته و الگویی برای آیندگان شده است.

شخصیت حضرت علی^(ع) و علم و آگاهی و تدبیر و شجاعت وی باعث شده بود که ایشان بعد از به خلافت رسیدن دست به اصلاحات سیاسی مثبتی بزنند که نتیجه آن الگویی اصلی برای کشور داری و مدیریت از منظر شیعیان باشد. شعار دولت عدل علوی در روزگار ما نمونه ای کوچک از دریای بیکران مدیریت و کشورداری و اصلاحات آن حضرت می‌باشد. (صالح پور، ۱۳۹۴: ۹۱) حضرت در دوران بعد از رحلت پیامبر^(ص) و قبل از به خلافت رسیدن به تحقیق و تفسیر در علوم دینی پرداختند و با تجربه‌ای پر بار خلافت و مدیریت امت اسلامی را به دست گرفتند. (الهی‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۷) فرمایشات و دیدگاه‌های ایشان در بسیاری از زمینه‌ها علی‌الخصوص کشورداری در دوپست و سی و نه خطابه و هفتاد و دو نامه در نهج البلاغه گردآوری شده است و به غیر از آن سیره و رفتار ایشان نیز به عنوان منبعی گرانقدر می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات گردد.

خطابه‌ها و نامه‌هایی که در نهج البلاغه گردآوری شده است به صورت کلی مواردی را بیان نموده‌اند، اما از آنجایی که هر آنچه از اقوال و رفتار ائمه علاوه بر منطوق و ظاهر دارای مفهوم و روح نیز می‌باشد لذا بایستی موضوعاتی مورد تفسیر و تدقیق قرار گیرد، به طوری که روش‌های تربیتی و روش‌های اصلاحی که شاخصه‌های اصلی تربیتی دولتمردان از منظر حضرت علی^(ع) می‌باشد ابهامات و مجهولات آن رمزگشایی شود و روش‌های اعمال آنها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در این مقاله به صورت نظری و با روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی موضوعات مرتبط را مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار خواهیم داد.

ادبیات پیشین

تاکنون آثار بسیار زیادی در رابطه با شیوه‌های حکمرانی با رویکردی بر سیره حضرت علی^(ع) به رشته تحریر درآمده است که برخی از این آثار عبارتند از کتاب حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان که حاصل تلاش‌های سید جواد ورعی می‌باشد. این کتاب تحلیلی از حقوق و وظایف

متقابل شهروندان و دولتمردان در مقابل یکدیگر است. در این کتاب نویسنده با بهره‌گیری از متون حدیثی شیعه، آیات قرآنی و تفاسیر و دیدگاه‌های فقیهان شیعه، سعی کرده حاصل تحقیقات خود را در دو دفتر به رشته تحریر درآورد. در این نوشتار وظایف دولتمردان در قبال شهروندان به صورت مصداقی و با رویکردی بر سیره ائمه بویژه حضرت علی بیان شده است. در این تحقیق از حاکمیت سیاسی، قضایی، و نظارتی دولتمردان سخن گفته شده است. همچنین در این رابطه مقاله‌ای با عنوان مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی^(ع) با قلم سهیل سردمدی به رشته تحریر درآمده است. در این مقاله خصوصیت مدیر، مفهوم و مصداق مدیر لایق، وظایف مدیران در قبال شهروندان و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این مقاله به اهمیت مدیریت اسلامی و همچنین کتاب پر ارزش نهج البلاغه اشاره داشته است به طوری که آن را به عنوان الگویی معرفی می‌کند که امروزه در مدیریت کشورهای غربی به استفاده از آن اذعان می‌شود. علاوه بر این آثار کتابی با عنوان نظام حکومتی و اداری در اسلام که حاصل تلاش‌های باقر شریف القرشی و ترجمه عباس علی سلطانی است در رابطه با حکومت و مدیریت اسلامی به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب به بحث تربیتی دولتمردان در نظام حکومتی اسلام توجه ویژه‌ای شده است و بیان شده که مدیر لایق یکی از بنیان‌های اساسی ادامه و استمرار حکومت می‌باشد. در این کتاب به اهمیت نهج البلاغه اشاره ویژه‌ای شده است و بیان شده که این کتاب سیره و روش اصلی حکومت اسلامی می‌باشد.

چارچوب نظری

مساله شاخصه‌های تربیتی دولتمردان با آنکه در نگاه نخست امری ساده به نظر می‌رسد اما بسیار مهم و مساله‌ای چند وجهی است، به طوری که با تربیت مدیری لایق، کاربرد، آگاه و شجاع در همه سطوح مدیریتی موجبات اعمال حاکمیت مطلوب فراهم می‌آید. بحث شاخصه‌های تربیتی مدیران صرفاً مساله سیستم‌های حکومتی اسلامی نبوده و نیست و در کلیه نظام‌های حقوقی دنیا امری لازم و ضروری تلقی می‌شود، به طوری که در همه نظام‌های حقوقی مدیریت و تربیت مدیران لایق یکی از ارکان استمرار آن نظام حکومتی به حساب می‌آید. هر نظام حقوقی بر اساس معیارهای خود شاخصه‌هایی را برای تربیت مدیران در همه سطوح در نظر گرفته است. در نظام حقوقی اسلامی به ویژه نظام حکمرانی شیعی بهترین معیارها و شاخصه‌ها برای تربیت دولتمردان نظریات سیاسی و سیره مقدس ایشان در کشورداری می‌باشد که در قالب خطبه‌ها و نامه‌ها نمود پیدا کرده است و در این نوشتار مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

نوشته حاضر در چهار قسمت، کلیتی از شیوه کشورداری و مدیریت حضرت علی^(ع) را معرفی و مورد پردازش قرار می‌دهد که در قسمت اول روش‌های تربیتی کارگزاران حکومتی از منظر حضرت

علی، در قسمت دوم اصلاحات ایشان بعد از به خلافت رسیدن در رابطه با کشورداری و عزل و نصب کارگزاران، در قسمت سوم شرایط و شاخصه‌ها و معیارهایی که از منظر حضرت علی در انتخاب کارگزاران و به تبع آن مدیریت کشور و در بخش چهارم به روش‌های نظارتی و تفحص وی در بخش کشورداری پرداخته شده است.

روش‌های تربیتی

تربیت از آن دسته مفاهیمی می‌باشد که برای تشخیص صحیح مصادیق آن، بایستی به درستی مورد تعریف و واکاوی لغوی و اصطلاحی قرار گیرد. اصطلاح تربیت از ریشه "ربو" و از باب تفعیل می‌باشد. چرا که همواره کلمه ناقص وقتی به باب تفعیل برده می‌شود مصدر آن بر وزن تفعله می‌شود. در لغت، تربیت به معنای علو، نما، زیاده و رشد می‌باشد. همچنین به نظر می‌آید واژه تربیت هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود معنای تعدیه داده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۷۹) دلیل بر معنای تعدیه آن است که اولاً معنای غالبی این باب است و نیز "ربو" معنای لازمی را در خود جای داده است و از آن‌رو که تربیت یک امری است که مقابلی به عنوان متربی دارد و در مورد غیر صورت می‌گیرد، این معنا از تمامی معنای مقابل متناسب‌تر است. اما در اصطلاح تربیت مفهومی کلی بوده و نسبت به موضوع می‌تواند روش‌های متفاوتی را در پی داشته باشد.

در دوران حضرت علی نمی‌توان مدعی شد که تربیت و تعلیم به عنوان یک رشته تخصصی و مجزا وجود داشته ولی با توجه به گفتار و سیره حضرت علی مشاهده می‌کنیم که حضرت در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی ابوابی را در رابطه با تربیت باز نموده‌اند. ایشان در دوره کوتاه زمامداری خویش روش‌های متفاوتی در رابطه با تربیت سیاسی دولتمردان بکار بسته‌اند. یکی از روش‌های اصلی که ایشان در تربیت احاد مردم به کار می‌گرفتند روش عقلی تربیت بود. ایشان با توجه به اوامر و احکام قرآنی (سوره نحل، آیه ۱۲۵) که اساس نظام تربیتی اسلام را بر عقلانیت استوار ساخته است و همچنین با توجه به فلسفه وجودی عقلانیت و حکمت در تربیت انسان این روش را به وفور استفاده کرده و سفارش می‌کردند. (میانی، ۱۳۷۶)

در کشورداری و رفتار سیاسی حضرت علی^(ع) روش عقلی نقش محوری ایفا می‌نماید و همه جنبه‌های رفتار سیاسی حضرت بر آن استوار می‌باشد. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱) حضرت در خطابه‌های گوناگون همگان را به تفکر و تعقل فرا می‌خواند. (همان: ۸۲-۱۰۲-۲۳۹) در همین راستا ایشان برای پرورش عقل، فراگیری دانش‌های گوناگون را توصیه می‌نمودند. (خوانساری، ۱۳۵۹: ۳۲) زیرا که مردم بویژه دولتمردان برای انجام رسالت خویش در همه عرصه‌ها چه حکومتی و چه غیر آن نیاز به شناخت و آگاهی فراوان دارند، به همین جهت حضرت دولتمردان را به همنشینی و گفتگوی با عالمان سفارش می‌کردند. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۳) منظور حضرت علی

از همنشینی با عالمان صرف نفس این عمل نمی‌باشد بلکه همنشینی بدون مشورت را امری عبث می‌شمارند و یکی از روش‌های رشد عقل را مشورت تلقی می‌کنند و خود همیشه در کلیه امور حتی امور جزئی از رایزنی و مشورت اطرافیان بهره می‌جستند. (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹-همان) حضرت علی در رابطه با مشورت نکات کلیدی فراوانی را مطرح نموده‌اند. ایشان در رابطه با مخاطب مشورت، حساسیت ویژه‌ای داشتند و دولتمردان و مردم را از مشورت با افراد ترسو، بخیل و حریص منع می‌کردند. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۲۱۶) نکته ظریفی که در رابطه با این فرمایش حضرت علی وجود دارد توجه به اخلاق می‌باشد که با اصلاح اخلاق کلیه ضعف‌های جهان‌بینی قابل حل می‌باشد. تشخیص مصلحت و سنجش امورات و مشکلات از تکالیف اساسی دولتمردان در سیره علوی می‌باشد. حضرت در کنار تفکر، علم اندوزی و مشورت مردم و دولتمردان را به استفاده از تجربیات دیگران سفارش می‌کردند. ایشان تجربه را یکی از وسایل تربیت تعقل قلمداد می‌کردند و آن را عامل مهم موفقیت و انتخاب صحیح معرفی می‌نمودند. (همان: ۳۱) به نظر ایشان تربیت عقل با استفاده از تجربیات دیگران در دو بعد عملی و نظری سودمند بوده و در تربیت سیاسی دولتمردان بسیار ارزشمند می‌باشد. گرایش به خوبی‌ها و ارزش‌ها و دوری کردن از رذایل همان بعد عملی تربیت عقل دولتمردان و کارگزاران حکومتی می‌باشد. توجه حضرت علی^(ع) به تربیت عقلی به صورت پایدار و مستمر اهمیت فراوانی داشته است. چرا که نتیجه تربیت پایدار این است که افکار، اقوال و رفتارها گذرا و موقتی نباشند. چرا که دیده شده است که با تغییر شرایط و اوضاع و احوال بسیاری از افکارها و اقوالها و رفتارها دستخوش تغییر قرار گرفته‌اند و این امر در بعد زمامداری بسیار اهمیت دارد، چرا که مسئولی که بعد از اتمام مسئولیت سودای مخالفت و تغییر را در دستور کار خود قرار می‌دهد نه تنها از بعد شخصی بلکه از بعد عمومی دارای اثرات مخربی می‌باشد و به نوعی نظام و حکومت را زیر سوال می‌برد.

جدای از پرورش عقلانی، حضرت علی از روش کارساز دیگری در جهت تربیت مردم علی‌الخصوص دولتمردان و کارگزاران حکومتی استفاده می‌نمود. ازایه الگو به کارگزاران حکومتی در ابعاد مختلف در تربیت آنها موثر و مفید می‌بود. در جهان‌بینی شیعه، ایمان به رسالت رسول اکرم و امامان معصوم به عنوان اصل الگو مداری پذیرفته شده است و علت فرستاده شدن پیامبران نیز همین اصل الگو مداری می‌باشد و بدان جهت هست که پیامبران به عنوان اسوه و الگو معرفی می‌گردند. (سوره احزاب، آیه ۲۱) در سیره حضرت علی تأکید بر روش زندگی پیامبر به عنوان روش الگویی برجسته به عنوان الگوی تربیتی معرفی می‌گردد. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۵۹) ایشان سیره حضرت محمد را به عنوان الگو و مسیر راه خود می‌دانستند و همچنین در تعدادی از خطابه‌ها و نامه‌ها از الگو بودن سیره خود برای کارگزاران و دولتمردان حکومتی سخن به میان می‌آوردند

(همان: ۸۷-۹۷) و آنها نیز با بکارگیری و اقتدا به سیره این حضرت به مقام و شایستگی‌های والایی دست پیدا می‌کردند. در کنار این فرمایشات حضرت علی از کارگزاران و دولتمردان درخواست می‌نمود که در امور سیاسی و اجتماعی برای مردم الگو شده و موجبات تربیت آنها را با این شیوه فراهم آورند. ملاحظه می‌شود که حضرت در این باب از یک سیر نزولی و سینه به سینه استفاده کرده‌اند، به زبانی دیگر ایشان سیره زندگانی حضرت محمد را الگویی برای خود و روش زندگی خود را الگویی برای فرماندهان و کارگزاران و روش زندگی فرماندهان و ماموران حکومتی را الگو و اسوه‌ای برای مردم معرفی نموده‌اند.

یکی دیگر از شیوه‌های اساسی در تربیت موثر انسان تنبیه و تشویق می‌باشد. در قرآن نیز در آیات فراوانی به تشویق و تنبیه در جهت تربیت انسان توجه شده است. اما به کارگیری این مهم در رابطه با کارگزاران و دولتمردان حکومتی از ضروریات اجتناب ناپذیر است. حضرت علی در هدایت و تربیت کارگزاران از این شیوه استفاده نموده و بدین وسیله زمینه تلاش‌های با ارزش آنها را فراهم ساخته است و هر زمان آنها را به خدمت بی‌ریا و دوری از تملق دعوت کرده است. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۳) در کنار اینها زمانی هم که کارگزاران مرتکب تقصیر و یا سهل‌نگاری می‌شدند در اسرع وقت نسبت به آن عکس‌العمل نشان داده و وی را با اخطار، جریمه و یا عزل بدرقه کرده است. (همان: ۵-۴۰-۴۱ و ۴۳) البته تشویق‌ها و تنبیه‌ها قانونمند و در چارچوب قانون به کار گرفته می‌شد. از منظر حضرت علی تشویق‌ها و تنبیه‌ها بایستی شفاف و روشن باشند و خالی از هر گونه تبعیضی باشد تا بتواند به نحو مطلوب تاثیر مثبت خود را بر جامعه بگذارد. (همان: ۳۰-۳۱ و ۳۳ و ۵۰-خ ۹۰)

یکی دیگر از شیوه‌های تربیت کارگزاران حکومتی در سیره حضرت علی، نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم بر اعمال و وظایف آنان است. ایشان در کنار موعظه و پند و اندرز، کارگزاران را همواره متوجه اهمیت وظایفشان می‌کرد و در کنار آن برای کنترل و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت، هر زمان از اهرم‌های نظارتی مختلف استفاده می‌نمود. ایشان در دوره کوتاه زمامداریشان از کلیه اخبار و حرکات نمایندگان و کارگزاران خود در اقصی نقاط بلاد اسلامی باخبر بودند و همه آنها را زیر نظر داشتند (شریف الرضی، همان: ۳۳، ۴۰، ۴۳) و اکثر عزل و نصب‌های ایشان بر اساس گزارش‌های واصله از سوی ماموران نظارتی خود بود. در سیره حضرت علی نکته اساسی در امر نظارت عدم دخالت قوه نظارتی در اعمال و تصمیمات مدیران می‌باشد که به صورت ویژه مورد توجه و اهتمام قرار داشت. حضرت علی در زمان نصب کارگزاران قبل از هر چیزی حد و مرز و حدود و ثغور وظایف و تکالیف آنها را بدان‌ها گوشزد می‌کردند و در ادامه لغزشگاه‌ها و پرتگاه‌ها را بدان‌ها معرفی می‌نمودند. آنها را از رفاه طلبی و تجمل‌گرایی منع می‌کردند و نسبت به افزایش

غیرعادی دارایی‌های کارگزاران و دولتمردان حساسیت نشان می‌دادند. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۳) در مقابل تامین مالی مکفی کارگزاران بویژه قضات در دستور کار مدیریت امور ایشان قرار داشت. ایشان عدم تامین مالی کارگزاران حکومتی را وسیله‌ای برای لغزش قلمداد می‌کردند. (همان: ۵۳)

در سیره حضرت علی توجه به تاریخ و به تبع آن توجه به آیات قرآن و روایات در کشف قانون-ها و سنت‌ها در تربیت عقلی انسان‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. اهمیت تاریخ در سیاست و مدیریت اجتماع بسیار ژرف و پر محتواست. تاریخ علاوه بر به تصویر کشیدن وقایع و اتفاقات بسیار، تکرار برخی امور را نیز نشان می‌دهد و هر مدیر و یا کارگزاری با تامل در آنها می‌تواند صواب را از خطا تشخیص دهد. حضرت علی رازهای پیروزی و سقوط حکومت‌ها را در نهج البلاغه بازگو و ادعان می‌کند که سقوط مختص سایر حکومت‌ها و پیروزی مختص اسلام نیست و اگر وضعیت موجود ادامه یابد سقوط اسلام اجتناب ناپذیر است. در سیره حضرت علی توجه به اندرزهای تاریخی مانند قرآن و روایات پیامبران و امامان به عنوان روشی برای هدایت و تربیت مردم معرفی شده است. در سخنان ایشان نیز پندها و اندرزهای بسیاری استفاده شده که وسیله‌ای عملی برای تربیت کارگزاران است. حتی ایشان پند و اندرز را به عنوان وظیفه حاکم اسلامی و یکی از حقوق مردم در جامعه اسلامی معرفی نموده‌اند. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۳۴)

روش‌های اصلاحی

در سیره حکومت حضرت علی یکی از روش‌های مهم اصلاحی انتصاب اشخاص صالح، شایسته و مدبر در مناصب حکومت بود. زیرا که استقرار حکومت عدل علوی جز با دولتمردان عادل و صالح کاری بس دشوار می‌بود. حضرت علی برای هر یک از مناسب دولتی افراد عادل و صالح و مدیر و شجاع و مدبر را به شرط آشنایی آن شخص با تخصص آن امر با مشورت و رایزنی انتخاب می‌نمود تا صلاح، استحکام و ثبات جامعه و حکومت بوسیله آن تضمین گردد. از این روست که تشکیل حکومت یک تکلیف الهی به‌شمار می‌رود تا بوسیله آن نظم عمومی، امنیت داخلی، سیاست خارجی و توازن اقتصادی در کشور مستقر گردد. حضرت علی در انتخاب کارگزاران شایسته‌سalarی را با دینداری توأم می‌کردند تا تخصص در کنار تقوا موجبات پیشرفت عدالت محور جامعه اسلامی را تامین نماید. سیره کشورداری حضرت علی بر سه رکن مهم دینداری، عدالت و مردممداری استوار بود و این ارکان در کلیات و جزئیات حکومت و جامعه رعایت می‌شد. (القرشی، ۱۳۶۹: ۴۲)

ایشان بعد از به خلافت رسیدن در اولین برنامه اصلاحی خود در جهت ایجاد جامعه‌ای عدالت محور کلیه والیان و ماموران فاسد را عزل و به جای آنها افرادی صالح و عادل و باتقوا را منصوب نمود و به آنها توصیه کرد که بالاترین خیانت، خیانت به امت است. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۳۶) در آن زمان جامعه اسلام به‌وضوح از اسلام واقعی دور شده بود و فساد و تباهی، بدعت‌های ناشایست،

انحراف در دین و بی‌اخلاقی و ... رواج یافته بود. به همین خاطر ایشان نسبت به وضعیت حال و آینده مسلمانان نگران بودند و با اصلاحاتی در امور اساسی حکومتی سعی در بهبود اوضاع داشتند. ایشان با استوار کردن اساس حکومت و مدیریت بر مبنای دین و با رواج عدالت در کلیه عرصه‌ها نسبت به کمال واقعی مسلمانان تلاش فراوان کرد. (سرمدی، ۱۳۷۸: ۵۵)

اصلاحات ایشان از بدو زمامداریشان در ابعاد سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اخلاقی نمود پیدا کرد و این امر نیز بدون همراهی یاران و کارگزاران و دولتمردان عادل و صالح و شجاع و مدبر غیر قابل اجرا می‌بود. حضرت علی از موانع موجود نیز با خبر بودند، زیرا عادت برخی برای سودجویی و ظلم و ثروت اندوزی و اجیر کردن عده زیادی در اطراف خود نمونه‌ای از موانع و سنگ اندازی‌های موجود می‌توانست تلقی گردد و در عمل نیز این موانع مانع تحقق برخی اصول مدیریتی ایشان شد. (همان: ۸۷)

در سیره کشورداری حضرت علی نسبت به آزمایش مشاوران و ماموران از جانب دولتمردان ایالتی توصیه‌های فراوان شده است. ایشان همواره به کارگزاران گوشزد می‌کردند که در انتخاب ماموران دولتی و کارمندان به خصوصیت تجربه، حیا و اصیل و باتقوا بودن آنها توجه فراوان گردد. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۵۳) چنین ویژگی‌هایی را درباره منشیان و فرماندهان نظامی نیز بیان فرموده‌اند. حضرت شجاعت و نترس بودن، صلابت در برابر دشمنان، حاکمیت بر نفس، کنترل خشم، عدالت، پرهیز از ظلم و شرارت و تجاوز را از ویژگی‌های فرماندهان نظامی برشمردند. (همان: ۶۰) ایشان نظامیگری را امری خطیر و حساس قلمداد می‌کردند و شرط اجرای آن را در گرو پایبندی به حقوق متقابل رهبر و نظامیان می‌دانستند. حضرت علی نظامیان را صرفاً در مقابل مسلمانان دعوت به اعتدال و مهربانی نمی‌کردند بلکه به آنها دستور می‌دادند نسبت به مردم شهرها و کسبه‌های مشرک و اهل کتاب به همین صورت با مهربانی و اعتدال رفتار نمایند.

حضرت علی در جهت اجرایی شدن عدالت در جامعه به منصب قضا و شخص قضات توجه فراوانی داشته‌اند. حضرت نسبت به قضات ویژگی‌هایی از جمله متخصص، صبور، مسئولیت پذیر، محتاط، خستگی ناپذیر، اهل علم و قاطع بودن را شایسته می‌شمردند. حضرت علی نسبت به فرمانداران شهرها و ایالات مختلف توصیه می‌نمود که همواره از عدالت دوری نکنند و نسبت به مردم گشاده رو باشند و در آبادانی شهرها و روستاها تلاش کنند و به یاد محرومان و طبقات پایین جامعه باشند، از خودستایی، خودبینی و خود برتر بینی پرهیزند و از امتیاز خواهی و شتابزدگی و سستی دوری نمایند. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۶۰) یکی از خصیصه‌های بارز دوران خلافت حضرت علی^(ع) در تصفیه ارگان عدالت نمود پیدا می‌کند، چرا که مهمترین ویژگی عدالت در رکن قضایی معنا پیدا می‌کند. حضرت علی^(ع) در دوره زمامداری خویش باعزل قضات فاسد و نصب قضات عادل و باتقوا در

در جهت گسترش عدالت در بدنه حکومت خود تلاش زیادی کردند. در کنار این حساسیت‌ها یکی از دغدغه‌های حضرت علی نسبت به ماموران مالیاتی بود. زیرا که به دلیل اهمیت این منصب و احتمال خیانت و تخلف و سختگیری و ظلم نسبت به مردم حضرت در نامه‌ها و خطابه‌های متعدد در رابطه با شیوه جمع آوری مالیات و برخورد با مردم دستورات کلی و جامعی را بیان نموده‌اند. به نظر حضرت علی اصلاح امور مالیاتی باعث اصلاح دیگر امور جامعه خواهد شد. چرا که مالیات یکی از مهمترین منابع درآمدی دولت در آن زمان شناخته می‌شد و به نوعی ثروت سرشاری به واسطه تشخیص و جمع آوری مالیات در خزانه جمع می‌شد و از آنجایی که این امر در قالب شبکه‌ای گسترده و پیچیده صورت می‌گرفت امکان هرگونه بی‌عدالتی و ضایع شدن حقوق مردم در آن وجود داشت. ایشان نسبت به ماموران مالیاتی صفاتی چون انصاف، امانت، راستگویی، وفاداری، شکیبایی، مهربانی، حیا، تقوا، خوش‌رفتاری و ... را الزامی می‌دانست. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۵۱) مدیریت اقتصادی در حکومت علوی با اصلاحاتی که ایشان در سیاست‌های کلی اقتصادی و عزل و نصب‌های بجایی که ایشان صورت دادند انتظام خاصی بخود گرفت و از ریخت و پاش و حیف و میل بیت المال جلوگیری نمود. حضرت بیت المال را مال امت و دولت را امین بیت المال معرفی می‌کردند. (جعفری تبریزی، ۱۳۸۹، ۳۸-۳۹)

شاخص‌های گزینش

در مدیریت حضرت علی معیارها و شاخصه‌هایی برای انتخاب کارگزاران دولتی به کار گرفته می‌شد که در موارد مختلفی با آنچه که در سایر سیستم‌های موجود در جهان وجود داشته متفاوت می‌باشد. یکی از معیارهایی که در سیره حضرت علی برای انتخاب کارگزاران دولتی مورد توجه قرار می‌گرفت معیار آگاهی و دانایی بود تا آنجا که ایشان می‌فرمودند سزاوارترین اشخاص بر خلافت کسی است که داناتر از دیگران به دین باشد. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۱۷۳) اهمیت جایگاه آگاهی در انتخاب کارگزاران تا آنجاست که عدم توجه بدان خیانت به خدا و رسول او معرفی شده است. بایستی متذکر شد که آگاهی نه صرفاً مختص تخصص کاری است و نه آموزه‌های دینی، بلکه منظور از آگاهی، آگاهی توأم با تخصص می‌باشد. این شرط هم در رابطه با مدیران ارشد و هم در رابطه با کارگزاران دون پایه سیستم نظام اسلامی مجری بود. در سیره حضرت علی در کنار آگاهی، مدیریت سیاسی نیز برای کارگزاران حکومتی مورد توجه ویژه قرار گرفته است تا آنجا که آفت رهبری را ناتوانی در بینش سیاسی معرفی می‌کردند. (هاشمی، ۱۳۸۳: ۳۹) از منظر سیره حکومت حضرت علی بینش سیاسی و آگاهی از شرایط، با ایمان و اعتقاد راسخ و هدفدار امکان‌پذیر می‌باشد. بنابراین ایمان و اعتقاد به هدف نیز از جمله شاخصه‌های گزینش دولتمردان در حقوق عمومی شیعی یا دولت علوی می‌باشد.

با تدقیق در مباحث فوق به راحتی می‌توان دریافت که حضرت علی (ع) همه جنبه‌های لازم را در زمامداری در کنار هم و به یک اندازه در نظر داشته‌اند، به طوری که کاملاً مشخص است که هیچوقت در هیچ نامه‌ای و یا هیچ خطابه‌ای از یک ویژگی بخصوص به تنهایی سخن نگفته است و همواره هر ویژگی را در کنار سایر ویژگی‌ها برای زمامداری لازم و ضروری دانسته است. چرا که بر فرض مثال اگر شجاعت با عدم آگاهی هم راستا شود به نوعی نه تنها هیچ مصلحتی به دست نخواهد آمد بلکه احتمالاً مشکلاتی که بوجود خواهد آمد بسیار جبران ناپذیرتر از هر چیزی باشد. امانتداری و حفظ بیت‌المال و یا به طور کلی امین مسئولیت و خدمت بودن نیز یکی دیگر از شاخصه‌های سیره علوی برای انتخاب کارگزاران حکومتی می‌باشد. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۴) دلیل این امر نیز آن است که در سیره حضرت علی مسئولیت ریاست تلقی نمی‌شود بلکه مسئولیت امانت می‌باشد و هر گونه کم کاری و تقصیر در اعمال آن خیانت به امانت محسوب می‌گردد. چنین بینشی نسبت به مسئولیت‌های حکومتی از پایه‌های اساسی نظام حقوق عمومی شیعیان می‌باشد که در تمامی تئوری‌های دولت شیعی بوضوح مورد عتاب قرار گرفته است. (ورعی، ۱۳۸۱: ۴۱۲-۴۱۳) حتی در عمل نیز در نظام سیاسی شیعه جمهوری اسلامی ایران نیز چنین تفکری نسبت به مسئولیت‌های دولتی وجود دارد.

از آنجا که حکومت علوی بر پایه عدالت استوار است بنابراین یکی دیگر از شاخصه‌های انتخاب کارگزاران عدالت می‌باشد. حضرت علی در باب اهمیت عدالت آنقدر حساس بودند که بیشتر خطبه‌های خود را معطوف به آن کرده بودند و حتی خود را شهید راه عدالت و نهج البلاغه را کتاب عدالت نامیده‌اند. از نظر سیره علوی عدالت بایستی همراه با احترام باشد. یک مدیر عادل بایستی برای انجام امور و اخذ تصمیمات مناسب با احترام و سعه صدر نظر کارشناسان و متخصصان را نیز پذیرا باشد. از منظر حضرت علی مدیر، رهبر، امام و ... بایستی برای حل و فصل مشکلات و غلبه بر هرگونه سختی‌ها حلم و بردباری و سعه صدر داشته باشد. سعه صدر راهگشای حل مسایل بدون جنگ و خونریزی است بنابراین سعه صدر یکی از ارکان و شاخصه‌های مهم انتخاب کارگزاران حکومتی می‌باشد. حتی در قرآن دلیل پیروزی حضرت محمد بر مشرکین سعه صدر معرفی شده است. (سوره انشراح، آیه ۱)

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که در انتخاب کارگزاران حکومتی در سیره کشورداری حضرت علی مورد توجه قرار می‌گرفت شجاعت و نترس بودن در انجام وظایف و مسئولیت‌ها می‌باشد. حضرت این شاخصه را بخصوص در انتخاب فرماندهان نظامی بیشتر مورد تاکید قرار می‌دادند. (شریف‌الرضی، ۱۳۷۹: ۵۳) شجاعت در مسئولیت‌پذیری و پذیرش اشتباه، شجاعت در برابر وسوسه‌های درونی و بیرونی، شجاعت در میدان نبرد از جمله موارد مورد تاکید حضرت برای انتخاب کارگزاران

حکومتی بوده است. از زیر مجموعه‌های شجاعت قاطعیت در تصمیم و اجرا می‌باشد که این مهم نیز در سیره علوی و در انتخاب کارگزاران دولتی مورد توجه قرار می‌گرفت. (همان: ۱۹۲) قاطعیت در تصمیم‌گیری و اجرا امری جدا از تصمیمات و اجرای عجولانه امور می‌باشد. حضرت علی یکی از شاخصه‌های انتخاب مالک اشتر را برای فرماندهی مصر قاطعیت وی در مقابل شرایط حاد توصیف می‌کند. (شریف الرضی، همان: ۳۸) حضرت در موارد بسیاری دودلی و سردرگمی مسئولان را در مواجهه با مشکلات نکوهش می‌کردند و آن را آفت تصمیم‌گیری بجا و موفقیت می‌دانستند. زمامدار و رهبر شجاع تا زمانی که در هر کاری، امری، دستوری پیشقدم نباشد و نتواند قبل از هر فردی آن را بجای آورد و پیشه کند هرگز نمی‌تواند در بین امت خود به ظفر دست یابد، بنابراین در سیره حضرت علی توجه به پیشگامی در عمل برای انتخاب رهبران و تصمیم‌گیران حکومتی بسیار مورد توصیه و سفارش واقع گشته است. (همان: ۷۵)

در سیره حضرت علی تواضع و فروتنی برای انتخاب کارگزاران حکومتی جزو شاخصه‌های مهم قلمداد شده است. تواضع و فروتنی مرحله اصلی رشد عطوفت و مهربانی متقابل بین کارگزار و امت می‌باشد و بدین وسیله مقبولیت قلبی کارگزار در بلاد تحت مدیریت در دل مردمان آن دیار باقی می‌ماند. (شریف الرضی، ۱۳۹۷: ۲۷) نبود سوء پیشینه از دیگر معیارهای انتخاب کارگزاران در حکومت عدل علوی بشمار می‌رود. حضرت توجه به این معیار را برای فرماندهان مناطق مختلف گوشزد می‌نمودند که بایستی در موقع انتخاب مشاوران و ماموران بدنه حکومتی به این شاخصه توجه عمیقی گردد، زیرا سوء سابقه در گذر زمان می‌تواند روی ناخوشایند خودش را بروز دهد و جلوگیری از این امر در زمان قدرت و مسئولیت دشوارتر گردد.

در نهایت معیاری اساسی که در انتخاب کارگزاران حکومتی در حکومت علوی مورد توجه قرار می‌گرفت قدرت و توانایی جسمی و روحی می‌باشد. توانایی جسمی و روحی کارگزاران موجب می‌شود که حکومت در رسیدن به اهدافش توانمند گردد. اهمیت توانایی جسمی و روحی برای کارگزاران تا حدی است که در قرآن نیز این مهم توصیه اکید شده است. (سوره قصص، آیه ۲۶) در عمل در نظام شیعی جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ در باب شرایط و خصوصیات رهبری بندی در رابطه با شرایط جسمانی رهبر وجود دارد (اصل ۱۰۹ قانون اساسی ج.۱) که شرط لازم برای تصدی مقام رهبری می‌باشد. طبق این قانون در صورت فقدان این شرط رهبری از مقام خود برکنار خواهد شد. (اصل ۱۱۱، قانون اساسی ج.۱) با تدقیق در مطالب فوق به راحتی می‌توان درک کرد که اوصافی که نسبت به رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است به نوعی برگرفته از سیره حضرت علی^(ع) در زمامداری و کشورداری می‌باشد. به طوری که علم، ایمان و اعتقاد، اخلاق (عدالت و تقوا)، آگاهی سیاسی و توانایی مدیریت، که در

تعیین رهبری نقش ویژه‌ای دارد عملاً در سیره حضرت علی^(ع) در کشورداری نمود داشته است. در باب اهمیت موضوع توجه به این امر کفایت می‌کند که ایشان در کشورداری و انتخاب تک تک کارگزاران حکومتی چنین دقت نظری که امروزه صرفاً در تعیین رهبری وجود دارد را داشته‌اند.

نظارت

"نظارت" از ماده "نظر" است و در لغت نامه ذیل واژه مذکور، آن را به نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعای ایشان، یاری دادن و مدد کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبیر، خیال، وهم، و اعتراض آورده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج. ۱۴: ۳۷۹) از آنجا که واژه نظارت در یک رشته علمی و در یک حیطة و موضوع کاربرد ندارد، از این‌رو نمی‌توان تعریف اصطلاحی اجماعی و واحدی از نظارت ارائه کرد و در هر علم، نظارت معنا و کارکرد خاص خود را خواهد یافت.

در آیین کشورداری علوی، حضرت علی با تدبیر و حساسیت مثال زدنی همه امورات را در کلیه شئون حکومت تحت نظر داشتند. ایشان امور نظارتی را خصوصاً در رابطه با ماموران و کارگزاران حکومتی با شدت و جدیت بیشتر پیش می‌برد، بنابراین در وهله اول در راستای سیاست‌های نظارتی لاجرم در انتخاب کارگزاران حساسیت ویژه‌ای به کار می‌برد و آنها را از میان بهترین اشخاص انتخاب می‌نمود. ایشان در همه حال از گزینش‌های ناصحیح و ناکارآمد گله می‌کردند و آن را وسیله‌ای برای نابودی معرفی می‌کردند. این امر نوعی نظارت و کنترل درونی تلقی می‌شود. یعنی زمانی که فرد خود را مسئول انجام وظایف محوله بداند و خدا را شاهد اعمال و تصمیماتش فرض کند و تقدس وجدان و شرف خود را در گرو مراقبت و کنترل خود در برابر وسوسه‌های گوناگون تلقی کند دیگر هر چقدر قدرت فسادآور باشد او در مقابل آن استوار و بی‌لغزش خواهد بود. (میانجی، ۱۳۷۴: ۲۳۱)

در مرحله بعدی حضرت علی در راستای سیاست‌های نظارتی، اصول کلی برنامه نظارتی را طرح نمودند تا چارچوب‌های کلی و اساسی حکومت علوی مشخص گردد و بدین وسیله انحراف‌ها و یا عدم انحراف‌ها نمود پیدا کند. بنابراین حضرت علی شخصا در خطابه‌ها و نامه‌ها و بیانات متعددی سیاست‌های کلی نظام خود را برای عموم عرضه می‌کردند که این سیاست‌ها شامل سیاست‌های نظامی، اقتصادی، تمامیت ارضی و ... می‌شدند. در قدم بعدی در راستای سیاست‌های نظارتی حضرت سیاست هشدار و پیشگیری از تخلف را نسبت به کارگزاران و ماموران حکومتی اعمال می‌نمودند. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۵۳ و ۷۶) البته هشدارهای مطروحه از هر دو جنبه مثبت و منفی قابل بررسی و تدقیق می‌باشد. چنانچه حرکت در مسیر الهی و انجام وظیفه در قبال امت را مستوجب پاداش دنیوی و اخروی و در مقابل ترک وظیفه و خیانت به امت را موجب جزای دنیوی و اخروی معرفی می‌کردند. ایشان به نوعی نظارت را در همه شئون اجتماع در نظر داشتند و نظارتی را تأیید می‌کردند

که همه جوانب امور را پوشش دهد.

حضرت در مرحله نهایی در راستای سیاست‌های کلی نظارتی به اعمال دقیق نظارت و پیگیری متداوم بر عملکرد ماموران و کارگزاران و فرماندهان نظامی می‌پرداخت که این نظارت به نظارت آشکار، نظارت پنهانی، نظارت مردمی، تقسیم می‌شد که در مواقع مواجهه با لغزش نیز عکس العملی مناسب، متناسب با نوع آن صورت می‌پذیرفت. حضرت در کنار نظارت آشکار و پنهان از مردم می‌خواستند که هر آن مراقب تصمیمات، اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی در بلاد مختلف باشند. ایشان چنان اهمیتی به نظارت مردمی قایل بودند که بدون فوت وقت نسبت به موارد گزارش شده عکس العمل نشان می‌دادند. در این راستا در عمل و در نظام شیعه جمهوری اسلامی ارگان‌های نظارتی و نگهبان در کلیه عرصه‌ها حتی در بالاترین منصب حکومتی یعنی رهبری وجود دارد که هر لحظه و در تمامی شرایط به شکل تعطیل ناپذیر تصمیمات و اعمال کلیه دست اندرکاران حکومتی را واری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

با تدقیق در مباحث مختلف این مقاله می‌توان دریافت که در سیره حضرت علی مصالح جامعه و امت اسلامی با استقرار حکومت صالح و عادل عملی می‌گردد. ایشان در کنار توجه کلی به شایسته سالاری به شاخصه عدالت و تقوا و تخصص نیز اهمیت وافر قایل بودند. به نظر ایشان کارآمدی و دوام حکومت نیاز اساسی به کارگزاران عادل و متخصص دارد. ایشان برنامه‌های اصلاحی خود را در دوران زمامداریشان بر ارایه الگوهای جامع مدیریتی و اعمال آنها مبتنی کردند. ایشان همواره به ویژگی‌های زمامداران و نمایندگان به صورت پایدار و مستمر توجه داشتند و تمامی ویژگی‌ها را به صورت یکسان و در کنار هم مفید می‌دانستند. حضرت علی در سیره کشورداری خود حدود و ثغور مسئولیت‌ها، تکالیف و وظایف کارگزاران را به وسیله نامه‌های متعدد و یا خطابه‌های خاص و عام مشخص می‌کردند و به نوعی سیاست‌های کلی نظام را در این قالب‌ها ارایه می‌نمودند. ایشان در جهت کنترل امور سیستم جامع نظارتی بوجود آوردند که در هر لحظه مراقب تصمیمات و اعمال کارگزارانش در مناطق مختلف بود، به طوری که ایشان نظارتی را که مردم در آن دخیل نباشند را نظارت قلمداد نمی‌کردند. با این تلاش‌ها بود که نظام علوی الگویی برای سیستم‌های سیاسی دنیای امروزی بدل شده است. در نظام شیعی جمهوری اسلامی الگوبرداری عمیقی از سیره علوی صورت پذیرفته است. در نظام شیعی جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های کلی نظام، ارگان‌های حکومتی، قوه قضاییه، سیستم نظارتی و همه و همه نمونه‌های امروزی از الگوی حکومت عدل علوی می‌باشد. تشکیل شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری و صلاحیت‌های آنها در عزل و نصب‌ها و حساسیت ویژه‌ای که در اساسنامه وظایف آنها موجود می‌باشد، نمونه‌هایی از تفکرات علوی در دنیای امروز می‌باشد.

منابع

کتاب

- قرآن کریم

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸، اصل، ۱۰۹
- القرشی، باقر شریف (۱۳۶۹)، *نظام حکومتی و اداری در اسلام*، ترجمه عباس علی سلطانی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۸۹)، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، تهران
- خوانساری، جمال (۱۳۵۹)، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، جلد دوم، موسسه چاپ و انتشار، تهران
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*، جلد ۱۴، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- شریف الرضی، محمد ابن حسین (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، نشر مشهور، قم
- طباطبایی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *صرف ساده*، نشر دارالعلم، قم
- میانجی، میرزا علی احمد (۱۳۷۴)، *لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی*، نشر برگزیده، قم
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۱)، *حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان*، نشر دبیرخانه مجلس خبرگان، تهران
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، نشر میزان، تهران

مقالات

- الهی زاده، محمد حسین (۱۳۹۵)، *بازنمایی جایگاه امنیت انسانی در سیره حکومت امام علی بر مبنای فرامین حضرت علی (ع)*، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ۴، شماره ۱۵، پاییز
- سرمدی، سهیل (۱۳۷۸)، *مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی*، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، دوره ۱۱، شماره ۱، بهار
- صانع‌پور، مریم (۱۳۹۴)، *نقش مبنایی عدل در امامت علوی*، پژوهشنامه عدل، دوره ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۶)، *مبانی عقلانی حکومت مجتهدان در عصر غیبت از دیدگاه سید جعفر کشفی*، مجله حکومت اسلامی، سال ۲، شماره ۳، پاییز